



«ایران» چالش‌های آمریکا در مواجهه با دو جنگ اوکراین و غزه را بررسی می‌کند امریکا در باتلاق سرگردانی

تحلیل

فائزه سادات یوسفی خبرنگار



اوکراین از ماه ژوئن در عملیات خود تحت عنوان «تهاجم

دستاوردهای بسیار اندکی دست یافته و نتوانسته است با وجود دریافت تجهیزات

همه‌جانبه، راه به جایی برسد.

ارتش روسیه نیز تهاجمات

گسترده‌ای را همزمان

با جنگ غزه علیه کی‌یف

آغاز کرده و با تصاحب دو

شهر استراتژیک آودیوگا و

یاخموت معادلات

فشرده‌ای را در این منطقه

رقم زده و زمینه تصرفات

راهبردی بعدی روسیه در

حاک اوکراین را فراهم کرده

است

اروپایی و آمریکایی به این منطقه بر این تهدیدات افزوده است.

علاوه بر آن، قدرت‌های بزرگ و برخی از بازیگران مهم شرقی و جنوب جهانی به دنبال یک نظم جهانی جدید مبتنی بر نظام چند قطبی هستند. این امر مستلزم

از بین بردن نظم جهانی تحمیلی موجود است. این اراده پس از جنگ اوکراین و تحولات مهم پس از آن در عرصه سیاست جهانی سرعت پیدا کرد و اجماع‌های جهانی را برای کسب حداکثری منافع

اقتصادی و سیاسی خارج از مدار تعیین شده از سوی غرب را ظاهر کرد. پس از طوفان الاقصی لزوم تغییر نظام بین‌الملل، با مشاهده حمایت‌های آشکار ایالات متحده

از جنایات اسرائیل و بهره‌گیری از جایگاه هژمونیکی برای باری رساندن به رژیم صهیونیستی آشکارتر شد؛

غربی را در توانایی دیسپلین قدرت و ادعاهای پیرامون آن زیر سؤال برده است. روند تحولات و تنازعات نشان می‌دهد، مهلکه موجود در این مناطق، سرنوشتی ناملوس را

برای غرب به وجود آورده که با گذر زمان تعمیق یافته و راه برون رفت را برای ایالات متحده در رأس هرم نبرد غرب دست نیافتنی‌تر کرده

است. از این رو، آنچه در این میان اهمیت پیدا کرده، چگونگی اهداف غرب در دستکاری امنیتی در منطقه برای جلوگیری از تقویت ژئوپلیتیک قدرت‌های مستقر و هموارسازی مسیر تثبیت هژمونی در جهان از این طریق است.

غرب با ایجاد زمینه‌ها و تحریک روسیه، تلاش کرد مصافی را با پیش‌فرض پیروزی ناتو راه‌اندازی کند و از این طریق مسیر تغییر نظم جهانی و چند قطبی شدن

جهان به نفع «شرق» را تغییر دهد. در این بین آنچه مهم است، این است که دایره استراتژی غرب برای این جنگ محدود به روسیه نیست و اراده گسترش نفوذ ناتو به سمت شرق، تهدیداتی امنیتی

را برای سایر بازیگران آسیایی به وجود آورده است. حال در این برهه زمانی، وقوع طوفان الاقصی و تبدیل سرزمین‌های اشغالی به کانون درگیری‌های بین غرب و جبهه مقاومت و حضور مستقیم کشورهای

علیه لبنان، خطر گسترش جنگ در منطقه غرب آسیا روز به روز بیشتر احساس می‌شود. کاخ سفید از یک سو از توسعه تنش و درگیری نگران است و از سوی دیگر حملات مقاومت، منجر به کاهش بازآرندگی و تهدید منافع استراتژیک آن شده است.

از سویی دیگر همزمان خطر هسته‌ای شدن جنگ اوکراین سایه سنگینی بر اتخاذ موضع هدفمند آمریکا افکنده است. مقامات روسیه

بارها هشدار داده‌اند که جنگ هسته‌ای می‌تواند پیامد درگیری اوکراین برای دفاع از «تمامیت ارضی» روسیه باشد. امریکای نگران در غرب

آسیا اکنون باید روندی را طی کند که هم سطوح روبرویی را به یک جنگ گسترده نکشاند و همزمان

در برابر مسکو هم رویکردی را به کار گیرد که ضمن برخورداری از تازمات پیروزی اما فرصت استفاده از تهاجم گسترده‌تر یا حتی سلاح‌های اتمی

کم‌بازده را از روسیه سلب کند. این در حالی است که حتی از منظر کاخ سفید آمدن به پای مذاکره برای آتش بس در شرایط کنونی که بخشی از خاک اوکراین به روسیه

ملحق شده و همچنین دستاوردی را برای ناتو به ارمغان نداشته یک شکست محسوب می‌شود.

آنچه حائز اهمیت است این است که کاخ سفید پیش از طوفان الاقصی به دلیل عدم دستیابی به مقاصدش در جنگ اوکراین، در تعیین استراتژی بلندمدت و سرنوشت ساز در این جنگ دچار سردرگمی شده بود. این موضوع بعد از طوفان الاقصی شکل دیگری به خود گرفت و سرگردانی

و آشفتگی‌های کاخ سفید شتاب بیشتری گرفته و آن را به نقطه غیر قابل بازگشت رسانید. حال با این پیش‌زمینه، هر گونه توسعه تنش در منطقه غرب آسیا آمریکا را در ورطه نبردهایی گرفتار می‌کند که با تحمیل هزینه‌های بیشمار عواقب جبران‌ناپذیر را به ارمغان خواهد

آورد.

کاخ سفید: گرفتار و مستاصل
تردیدی نیست که هر گونه تغییر فاز جنگ در غرب آسیا یا اوکراین اثرات مستقیمی را بر نحوه مدیریت جنگ در قسمت دیگر ایجاد می‌کند و این

گسترش تنش و حضور مستقیم در برابر مسکو، وضعیت جدیدی را برای خود بازتعریف خواهد کرد و در این وهله با عدم دستاورد متقن در برابر کرملین، منجر به شکست و نهایتاً تضعیف اعتبار این سازمان در جهان خواهد شد.

حیات کاخ سفید در گرو پیروزی

در پی جنگ اسرائیل و حماس، برای واشنگتن، مانند کی‌یف، مسأله کلیدی حفظ حمایت از دفاع اوکراین در برابر روسیه است.

این امر مستلزم ارائه کمک نظامی و اقتصادی به اوکراین و اسرائیل به طور همزمان و تلاش برای اطمینان از اینکه توجه عمومی از جنگ در اوکراین دور نمی‌شود، خواهد بود.

راهبرد ایالات متحده بر این مبناست تا ناتو را در جنگ اوکراین در رتبه شکست‌ناپذیر قرار دهد و روسیه را عمیقاً تضعیف کند، به طوری که مسکو، این دشمن استراتژیک دیگر

مانند سابق در طبقه قدرت‌های جهانی جای نگیرد. اما اوضاع میدانی جنگ نحوی دیگر را روایت می‌کند. مسکو اکنون چهار منطقه اوکراین را به خاک خود ملحق کرده و کنترل کامل دو استان شرقی

دویناس یعنی دونتسک و لووانسک را در اختیار دارد.

در مقابل نیز اوکراین از ماه ژوئن در عملیات خود تحت عنوان «تهاجم متقابل» تنها به دستاوردهای بسیار اندکی دست یافته و نتوانسته است با وجود دریافت تجهیزات

همه‌جانبه، راه به جایی برسد. ارتش روسیه نیز تهاجمات گسترده‌ای را همزمان با جنگ غزه علیه کی‌یف آغاز کرده و با تصاحب دو شهر استراتژیک آودیوگا و باخموت

مصادرات فشرده‌ای را در این منطقه رقم زده و زمینه تصرفات راهبردی بعدی روسیه در خاک اوکراین را فراهم کرده است. لذا استراتژی

ارباب روسیه با ادعای ورود مستقیم ناتو به جنگ اوکراین در روزهای اخیر قوت بیشتری به خود گرفته است.

تحلیلگران غربی معتقدند، کشورهای حامی اوکراین با توجه به تردید کنونی ایالات متحده در حمایت از اوکراین، کمک‌های نظامی خود به کی‌یف را به میزان قابل توجهی افزایش دهند؛ موضوعی که

نمی‌توانند یک روز در برابر روسیه دوام آورند. با وجود آنکه جنگ اوکراین یک موضوع کلیدی برای کاخ سفید تلقی می‌شود، اما بودجه حمایتی ۹۵ میلیارد دلاری دولت آمریکا که

هم اسرائیل و هم کی‌یف و تایوان و تحت پوشش خود قرار داده، اکنون در بن بست تصویب مجلس نمایندگان قرار گرفته و نمایندگان جمهوری خواه در این مجلس

استمرار جنگ اوکراین و همچنین حملات جنایت‌بار رژیم صهیونیستی با مکزیک شده‌اند. در این میان کاخ سفید تنها بودجه ۱۴ میلیاردی مرتبط با اسرائیل را در اختیار دارد

و هنوز خبری از بودجه برای کی‌یف موجود نیست. این امر نشان‌دهنده شکاف‌های داخلی آمریکا بر سر جنگ اوکراین است که با ایجاد اختلال در حمایت‌های کاخ سفید، آینده جنگ اوکراین را با چالش مواجه خواهد ساخت.

از این رو، گسترش جنگ در اوکراین و همچنین غرب آسیا، نقطه‌هراسی است که ناتو نیز با احتیاط آن را دنبال می‌کند، چرا که غرب توان بسیاری را در جنگ اوکراین خرج کرده و میزان توانایی خود را به طور غیرمستقیم در برابر مسکو تا حدود

زیادی محک زده است. از سوی دیگر تشدید تنش‌ها در غرب آسیا و لحاظ تمرکز بیشتر ایالات متحده و صرف هزینه‌گردها و ارسال تسلیحات به این منطقه به رویکرد ناتو در جنگ اوکراین لطمه وارد می‌کند.

لذا ناتو با هر خام‌اندیشی در قالب



تردیدی نیست که هر گونه

تغییر فاز جنگ در غرب آسیا یا

اوکراین اثرات مستقیمی را بر

نحوه مدیریت جنگ در

قسمت دیگر ایجاد می‌کند

و این دو جبهه به طور همزمان

کاخ سفید را تحت‌الشعاع قرار داده است.

از طرفی، حمایت از رژیم

صهیونیستی از نظر امنیتی

وایدئولوژیکی دارای ارجحیت

است و به همین دلیل

اهمیت حمایت از اوکراین در برابر حمایت

از رژیم صهیونیستی

رنگ باخته است

مشاهده می‌شود. در اخبار هفته گذشته، آمریکا به صراحت تمایل به راه‌حل‌های دیپلماتیک در مورد پایان دادن به جنگ اوکراین را رد و به ادامه روبرویی با مسکو تأکید کرد، چرا که هم نتانیاهو و هم کاخ سفید هر گونه توقف را به منزله پذیرش شکست در برابر حریف قلمداد کرده و برای رهایی از سرخوردگی بین‌المللی و داخلی به تداوم حملات اصرار دارند.

در مجموع شتاب تحولات در سرزمین‌های اشغالی همراه با جنگ اوکراین که یک جنگ ارادی و غیرارادی را در کنار هم قرار داده، به دردسرها و تلاش برای اطمینان تا جایی که استراتژی متقنی برای

برون‌رفت از آن وجود ندارد. چرا که جنگ اوکراین نیز نتوانست پیش‌بینی‌های ناتو را محقق سازد و اتاق فکرای سازمان در ارائه تدبیری مشخص برای حل و فصل تنگنای وجود آمده در اوکراین ناتوان است.

به همین سبب تنها اندیشه‌های که برای ناتو باقی مانده حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از اوکراین در عین نبود استراتژی تعیین‌کننده در اتاق فکر اعضای این سازمان است.

رسوایی غرب در جنگ غزه

با وجود آنکه اعضای ناتو تلاش کردند، ارزش‌های انسانی را در دفاع از اوکراین دلیل حمایت‌های بی‌بدیل خود از کی‌یف تفسیر کنند، اما حمایت‌های همه‌جانبه سیاسی

و مالی از جنایات رژیم صهیونیستی و همچنین ارسال تجهیزات نظامی به این رژیم برای تکمیل پروسه نسل‌کشی، به خوبی نقاب از چهره

آنان افکند و نشان داد که تنها در جهت پیاده‌سازی سیاست‌های خود گام برداشته و این گونه تفسیرها اغوایی برای جلب توجه

نهادهای مردمی در اروپا و همچنین ایمن‌سازی کمک‌های ارسالی از انتقادات مردمی بوده است. در این بین امپراطوری رسانه‌ای در حاکمیت

غرب نیز به مدد تفسیرهای توجیهی برای جنایات رژیم صهیونیستی آمد و تلاش کرد در محدوده دیدگاه‌های دولتمداران غربی گام بردارد.

از طرفی، جنگ اخیر اسرائیل و حماس چندین چالش دیپلماتیک را برای اوکراین به وجود آورده است. از همان ابتدای جنگ در فوریه

۲۰۲۲، آمریکا بنشدت برای به دست آوردن حمایت جامعه بین‌المللی از اوکراین تلاش کرده است. این به معنای درخواست کمک‌های نظامی، اقتصادی و بشردوستانه

برای مبارزه با جنگ و حفاظت از شهروندان در اوکراین و همچنین حمایت قانونی و دیپلماتیک برای محکوم کردن اقدامات رئیس‌جمهور

روسیه و دیگران علیه آنهاست.

اوکراین نیز بارها به مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای محکومیت اقدامات روسیه روی آورده است. این در حالی است که اقدامات صریح و شفاف در جنایات چندوجهی تاکنون توسط غرب نه‌تنها محکوم نشده بلکه آمریکا و سایر متحدان آن تلاش کردند، هم مانعی بر سر اقدامات بین‌المللی در محکومیت رژیم صهیونیستی شوند و هم از ظرفیت‌های بین‌المللی برای مشروعیت بخشی به اقدامات رژیم استفاده کنند. استفاده از

حق وتو برای تداوم جنایات رژیم صهیونیستی و عدم آتش بس در فلسطین اشغالی همراه با سفرهای مکرر مقامات آمریکایی

به کشورهای منطقه و همچنین ارسال سلاح و تصویب بودجه نیز برای باری رساندن به جنایات نیز

از اوکراین که نیاز به جلب دقیق از اعضای مختلف جامعه جهانی دارد نسل‌کشی است.

اما این موضوع از دید دولتمردان جهان پنهان نمانده و به دست آوردن رای لازم برای نشان دادن حمایت مجمع عمومی سازمان ملل متحد

از اوکراین که نیاز به جلب دقیق از اعضای مختلف جامعه جهانی دارد به واکنش‌های متفاوت بین‌المللی

به جنگ اسرائیل و حماس وابسته شده و لذا به تهدیدی برای این تلاش طولانی‌مدت آمریکا و اوکراین تبدیل شده است.

رفتار دوگانه آمریکا در حمایت از جنایات رژیم صهیونیستی و معانعت از وقوع آتش بس در شورای امنیت

سبب شده است، حمایت‌های آمریکا کاهش باید و به روند تصفیه ادعاهای این کشور در صحنه

بین‌الملل منجر شود. به طوری که تحلیلگران انتقادات بسیاری را بر مواضع آمریکا وارد کرده و آن را در

تناقض‌ها سبب شد که تردیدهای بسیاری در تحلیل رفتار غرب در جنگ اوکراین ایجاد شود و اکنون

نماتر از این منطقه را به‌رغم تبلیغات اما با چالش حمایت‌های جهانی مواجه سازد.

در این بین زلنسکی نیز تلاش کرد با حرکت در ریل آمریکا و با‌گه راه زدن خود به رژیم صهیونیستی و در

تقش قربانی، حمایت جهانی را برای خود و رژیم صهیونیستی تجمع کند، اما دیری نپایید که اعتراضات

بین‌المللی او را تحت فشار قرار داد تا رنگ و بویی ابهام‌آمیز در موضع خود بگنجاند. او ابتدا با حمایت قاطع از اسرائیل، حماس را محکوم کرد اما بعد از چندی از محکومیت

مستقیم اسرائیل خودداری کرد و خواهان توقف کشتار غیرنظامیان شد.



برش

نقش آفرینی و اهداف مشترک روسیه

بعد از عملیات ۷ اکتبر، پوتین بلافاصله حمله حماس علیه اسرائیل را محکوم نکرد و در عوض آن را نتیجه سیاست شکست خورده آمریکا در خاورمیانه خواند. روسیه همچنین از کرسی خود در شورای امنیت سازمان ملل متحد برای ارائه قطعنامه‌هایی در محکومیت حملات بدون اشاره به حماس و

وتیو قطعنامه مورد حمایت ایالات متحده که حماس را تروریستی خوانده، استفاده کرده است. مسکو به خوبی می‌داند که حضور آمریکا و ناتو در سرزمین‌های اشغالی برای حمایت از اسرائیل از یک

سو موجب تقویت ناتو در غرب آسیا می‌شود و از سوی دیگر تسلیح رژیم صهیونیستی به عنوان تنها رویکرد استراتژیک آمریکا، خود عامل مهمی برای برهم زدن توازن قوا در منطقه خواهد شد. از همین

رو، مجمع عوامل می‌تواند تهدیدات علیه مسکو را به طور گسترده‌تری در منطقه توزیع کند. از سوی دیگر، روسیه تقابل خود با بلوک غرب را به سرزمین‌های اشغالی تشریح کرده و می‌تواند همسو با کشورهای غرب آسیا و دولت‌های عرب خلیج فارس که در موضع غیرهمسو با آمریکا بودند، موضع آنها

از خود را تحکیم بخشد و روابطش با آنها را تقویت کند. بدیهی است که مسکو تاکنون توانسته جایگاه ژئوپلیتیک خود را در این ورطه تقویت و مستحکم کند و این نقش‌آفرینی به دلیلی انطباقی با استراتژی او در جنگ اوکراین کمک بیشتری به حفظ منافع او کرده است.

بنابراین حتی فراتر از منافی که روسیه از جنگ در سرزمین‌های اشغالی به دست می‌آورد و توجه جهانی را از جنگ خود در اوکراین منحرف می‌کند، با کاهش نفوذ ایالات متحده و همراهی با ایران به عنوان یک قطب بالقوه در نظم جهانی پیش‌بینی شده، سود می‌برد.

با رسانه‌های متنوع مؤسسه ایران دیده خواهید شد



ایران

خط ویژه پذیرش آگهی ۱۸۷۷

ایران

منافسه مزایده فراخوان